

سریال مستند «احمد» ساخته می شود



با نزدیک شدن به خرداد و سالگرد درگذشت امام خمینی ^(ع)، بنیانگذار جمهوری اسلامی، تیم تولید مستند «احمد» در حال آماده کردن نسخه‌ای چهار قسمتی از این مستند هستند. احتمال نمایش این مستنددریکی از پلتفرم ها یا شبکه های تلویزیونی وجود دارد.

نسخه بلند مستند «احمد» ساخته مصطفی رزاق کریمی در هفدهمین جشنواره «سینما حقیقت» روی پرده رفت. عروج فیلم، پیش از «احمد»، مستند «بانو قدس ایران» (مصطفی رزاق کریمی) را با موضوع زندگی همسر امام خمینی ^(ع) تولید کرده بود.

رضا عطاران با «اجل معلق» در شبکه نمایش خانگی



سریال «اجل معلق» به کارگردانی عادل تبریزی، فیلم ساز مشهوری به زودی از فیلم نت پخش می شود. در سریال کمدی «اجل معلق»، رضا عطاران به عنوان مشاور کارگردان و بازیگر نقش اول مرد حضور دارد. در خلاصه داستان «اجل معلق»

آمده است، آدم ها با یک جوری زندگی کنند که هر لحظه آماده ملاقات با اجل باشند؛ هر لحظه، هر کجا حتی داخل ماشین، پشت چراغ قرمز! اکنون سریال «وحشی» به نویسندگی و کارگردانی هومن سیدی دوشنبه شب ها از فیلم نت پخش می شود.

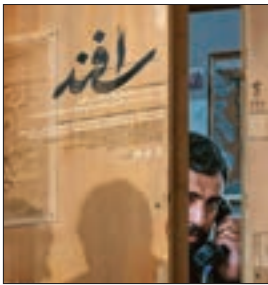
«هر چی تو بگی؟!»: کمدی بهاری سینماها



فیلم سینمایی کمدی موزیکال «هرچی تو بگی؟!» به نویسندگی و کارگردانی مرتضی آتش زمزم از چهارشنبه هفته جاری در سینماهای سراسر کشور به نمایش عمومی درمی آید. رضا بابک، نعبمه نظام دوست، بهرام خزازی، سیاوش چراغی پور، سپیده مظاهری، شیماجوهری فرد، جمشیدصدری و مهدی باقریگی با بازیگران اصلی فیلم هستند.

در خلاصه داستان فیلم آمده است: «بچه ها و عروس ها و دامادهای زبل و پول پرست سالارخان، می خواهند برای تصاحب اموالش، او را به خانه سالمندان ببرند، غافل از اینکه نوه های زنگ، دست والدین را خوانده اند و برای نجات پدربرزرگ، چنان نقشه های عجیب غریبی را پیاده می کنند که با ی ببین! «هر چی تو بگی؟!» اوایل تابستان با رسلان اصفهان ولوکیشن های زیبایی مثل خانه تاریخی سرتپ سدهی مربوط به دوره قاجار و دیگر نقاط دیدنی این استان جلوی دوربین رفت.

رونمایی از پوستر فیلم سینمایی «اسفند»



در آستانه اکران فیلم سینمایی «اسفند» به نویسندگی و کارگردانی دانش آقباشاهی و تهیه کنندگی مرحوم جلیل شعبانی و مهاجر توخیدپرست از پوستر این فیلم سینمایی با طرحی از محمد تقی پور رونمایی شد. «اسفند»

محصول مشترک سازمان هنری رسانه ای اوج و بنیاد سینمایی فارابی است که مقطع مهمی از زندگی شهید علی هاشمی از فرماندهان مطرح دوران دفاع مقدس در شناسایی و طرح ریزی عملیات خیبر در قراگاه سری نصرت را به تصویر می کشد.

رضا مسعودی، مهدی زمین پرداز، سعید آلبوعبادی، خیام وقار کاشانی، جلال باوی، طاهر نیک آزاد، محمد عسگری، یاسین مسعودی، محمدرضا عقدائی یزدی و ... در این فیلم سینمایی به ایفای نقش می پردازند.

این فیلم سینمایی که از چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت ماه اکران خود را در سینماهای سراسر کشور آغاز می کند، در چهل وسومین جشنواره فیلم فجر توانست نظر منتقدان و اهالی رسانه را به خود جلب کند و به نامزدی در چهار رشته موفق شد و سیمرغ بلورین بهترین موسیقی فیلم برای کارن همایون فر را دریافت کرد.

سریال «یزدان» از ۱۵ اردیبهشت می آید



سریال «یزدان» به کارگردانی منوچهر هادی با نام قبلی «یک، سه، هفت» برای پخش از شبکه ۳ سیما تولید شده است و از دوشنبه ۱۵ اردیبهشت هر شب ساعت ۲۰:۳۰ از شبکه ۳ سیما روی آنتن می رود. سریال در عین داشتن یک خط داستانی واحد،

هر قسمت به داستان اجتماعی منحصر به فردی پیرامون یک مأمور شهرداری به نام «عماد» با بازی پژمان باغزی می پردازد که در شهر اتفاقی می افتد. «یزدان» از دوشنبه ۱۵ اردیبهشت هر شب ساعت ۲۰:۳۰ در جدول پخش شبکه ۳ سیما قرار گرفته است.

بازخوانی فیلم سینمایی «اخت الرضا»

به مثابه یک تجربه تاریخی مذهبی به بهانه دهه کرامت

گامی جسورانه در مسیر سینمای دینی

مخاطب، به ویژه در مواجهه با شخصیت هایی چون حضرت فاطمه معصومه ^(ع)، انتظار زبانی فاخر اما قابل فهم دارد؛ زبانی که نه آن قدر سنگین باشد که در حد تعزیه با مناجات باقی بماند و نه آن قدر سطحی و روزمره که از قداست موضوع بکاهد. در این میان، کارگردانی چون داوود میرباقری توانسته اند به تعادلی بی نظیر میان ادبی بودن و دراماتیک بودن زبان برسند؛ دیالوگ هایی که هم حس تاریخی دارند، هم ریتم نمایشی و هم از نظر عاطفی برای مخاطب قابل لمس اند. میرباقری با تکیه بر تسلسل بر ادبیات فارسی، شناخت روان انسان مذهبی ایرانی و آشنایی با تأثیرات دیالوگ را به ابزاری برای خلق شخصیت بدل کرده است، نه صرفا انتقال اطلاعات.

امادر «اخت الرضا» فقدان این مهارت به وضوح حس می شود. دیالوگ ها نه عمق دارند، نه ساختار نمایشی درست و نه لحن مناسب با فضای تاریخی و معنوی فیلم. همین ضعف آشکار باعث شده فیلم ساز ناچار شود به نریشن پناه ببرد؛ ابزاری که به جای کمک به پیشبرد روایت، در اینجا به نوعی عقب نشینی تبدیل شده است.

اوضاع زمانی بغرنج تر می شود که نمایش چهره شخصیت اصلی، به دلیل ملاحظات شرعی و عرفی، ممکن نباشد. در چنین شرایطی، همه چیز (از صدا تا زبان بدن، از نور تا موسیقی و به ویژه دیالوگ) باید برای جبران فقدان چهره تلاش کنند؛ اما وقتی دیالوگ ها کارآمد نیستند و نریشن نیز صرفا اطلاعات خشک یا عبارات شعاری تحویل می دهد، تماشاگر در فاصله ای سرد از قهرمان داستان باقی می ماند. به این ترتیب، فیلمی که می توانست تجربه ای احساسی و عارفانه باشد، به بیانیه ای تصویری بدل می شود که نه دل را می لرزاند، نه اندیشه را درگیر می کند.

حلقه مفقوده بازیگری

یکی دیگر از ضعف های محسوس فیلم «اخت الرضا»، کیفیت بازیگری آن است. در آثار تاریخی مذهبی، بازیگر نه تنها باید نقش خود را بازی کند، بلکه باید به نوعی با روح زمان، بافت فرهنگی و فضای قدسی روایت نیز پیوند بخورد. اینجا صرفا تسلط بر فن بیان و بدن کافی نیست؛ بازیگر باید درک درستی از زیست جهان شخصیت و معنای نقش داشته باشد. او باید بتواند از دل سکوت ها، نگاه ها و حرکت های محدود، دنیایی از معنا و احساس بیرون بکشد.

فیلم های بیوگرافیک تاریخی مذهبی، بیشتر متکی به توان بازیگران مکمل اند تا فضای احساسی و معنوی فیلم را زنده نگه دارند؛ اما در این اثر، بازیگران نتوانسته اند از پس این مسئولیت برآیند. آن ها نه در بیان دیالوگ ها تبحر دارند، نه در انتقال عاطفه از طریق زبان بدن موفق اند. در نتیجه، بسیاری از صحنه ها خنثی، سطحی و فاقد بار احساسی لازم اند، اما در «اخت الرضا» به نظری می رسد این دقت و هدایت وجود نداشته است. بازیگران در فضایی ایستا و خنثی حرکت می کنند، بدون آنکه لحظه ای از بازی آن ها بتواند تماشاگر را درگیر یا متأثر کند. این ضعف زمانی بیشتر خودش را نشان می دهد که اثر، در نبود امکانات تصویری قدرتمند یا فیلم نامه ای عمیق، عملا همه تکیه اش را روی اجرای بازیگران گذاشته، اما از آن هم بی نتیجه مانده است.

محمد عنبرسوز

درنگ

سینمای ایران همواره با خلأ روایت های مذهبی تاریخی، با محوریت شخصیت های بزرگ دینی و بالاحص اهل بیت ^(ع) روبه رو بوده است. در میان این شخصیت ها، حضرت فاطمه معصومه ^(ع) جایگاه ویژه ای دارند؛ نه فقط به عنوان خواهر امام رضا ^(ع)، بلکه به عنوان یکی از چهره های تأثیرگذار معنوی و فرهنگی در حافظه تاریخی مردم ایران. به ویژه مردم قم. در این میان، فیلم «اخت الرضا» به نویسندگی مصطفی نیکزاد و کارگردانی سیدمجتبی طباطبایی، اولین و تنها تلاشی است که با محوریت این بانوی بزرگ ساخته شده است؛ فیلمی که می‌کوشد سفر حضرت معصومه ^(ع) از مدینه به قم را در بستر روایت های تاریخی و روحانی بازنمایی کند.فیلم سینمایی «اخت الرضا» در سال ۱۴۰۰ با مشارکت آستان مقدس حضرت معصومه ^(ع) و مجموعه شبکه های کرپلا وابسته به عتبه حسینیّه و توسط سازمان سینمایی سوره تولید شده است. در این فیلم که هم اکنون در حال اکران آنلاین است، سید محمد جواد طاهری، مجید امیری، سهیلا محقق، مهدی میرغیاثی، مرتضی جلالی و حمید لاجوردی ایفای نقش می کنند.

احساسی به یکی از تجربه های خاص زندگی شان است. این ویژگی فیلم، اگر با ساختاری قوی تر و روایت درگیرکننده تری همراه می شد، می توانست آن را به اثری ماندگار در حافظه جمعی ایرانیان بدل کند.

شکست سینمای ایران در زائر تاریخی مذهبی

متأسفانه باید اذعان کرد که سینمای ایران در زمینه تولید آثار تاریخی مذهبی به طرز محسوسی از تلویزیون عقب مانده است. در حالی که تلویزیون ایران طی دهه های گذشته با سریال هایی مانند «امام علی ^(ع)»، «مختارنامه» و «یوسف پیامبر ^(ع)» بارها توانسته است روایات دینی و شخصیت های برجسته تاریخ اسلام را به زبان تصویر نزدیک کند و مخاطب انبوه و متنوعی را درگیر خود سازد؛ اما سینما نتوانسته است حتی به سطحی مشابه دست پیدا کند. در واقع، حضور سینمایی در این حوزه آن قدر کم رنگ و پراشتباه بوده که در ذهن عموم مخاطبان، روایت دینی بیشتر با قاب تلویزیون گره خورده تا پرده نقره ای سینما.

یکی از دلایل این عقب ماندگی، این است که ساخت فیلم های تاریخی مذهبی نیازمند بودجه های کلان و امکانات گسترده است؛ امری که معمولا در ساختار تولید سینمای ایران، کمتر اولویت دارد. سینمای ایران اغلب درگیر تأمین مالی است و برای پروژه هایی با ریسک بالا و بازدهی نامطمئن مانند آثار تاریخی دینی، تمایلی از سوی سرمایه گذاران وجود ندارد.

اگر سینمای ایران بخواهد سهمی جدی در روایت های تاریخی مذهبی داشته باشد، نیازمند یک بازنگری عمیق در نگاه تولیدی، سرمایه گذاری و تربیت نیروهای تخصصی است. مخاطب برای چنین آثاری وجود دارد؛ اما سینما هنوز نتوانسته است راهی برای جلب این مخاطب پیدا کند.

چالش دیالوگ نویسی در آثار مذهبی

یکی از معضلات جدی فیلم های چون «اخت الرضا»، دیالوگ نویسی است؛ مسئله ای که به ظاهر فقط یک مؤلفه فنی است، اما در واقع بر کلیت حس و درک مخاطب از یک اثر تأثیر بنیادین دارد. در آثار مذهبی، دیالوگ نه تنها باید وظیفه اش را در روایت درام به درستی انجام دهد، بلکه باید با شان ادبی و عرفانی سوزه نیز هماهنگ باشد.

احساسات و دیالوگ های زنده برای تماشاگر ملموس شوند. وقتی چهره شخصیت اصلی دیده نمی شود، دیالوگ اثرگذاری وجود ندارد و روایت به نریتور واگذار شده و اتصال عاطفی مخاطب با قهرمان ضه دشوار می شود. اینجاست که فیلم نامه نیز نتوانسته است این چالش را مدیریت کند. به جای آنکه با خلق شخصیت های فرعی پررنگ، روابط بین فردی معنا دار یا نقاط اوج عاطفی و تصمیم گیری های دراماتیک، مخاطب را به داستان بکشاند، فیلم نامه بیشتر به بازگویی وقایع تاریخی می پردازد؛ آن هم به شکلی خطی و بی چالش.

همین موضوع باعث می شود که شخصیت حضرت معصومه ^(ع) نه تنها دست نیافتنی، بلکه تا حدی دور و بی حضور در روایت جلوه کند. مخاطب به جای هم ذات پنداری با یک زن جوان شجاع، عالمه و مهاجر که در سفری پرخطر شرکت کرده است، بیشتر با یک مفهوم انتزاعی روبه رو می شود که در تصویرسازی های عرفانی احاطه شده است.

انتخاب موضوع

با وجود ضعف های فنی و ساختاری، «اخت الرضا» از یک جنبه ارزشمند و تأمل برانگیز است؛ پرداختن به حضرت فاطمه معصومه ^(ع) به عنوان شخصیت محوری یک اثر سینمایی، این انتخاب، حتی اگر خروجی آن کامل و بی نقص نباشد، در نوع خود یک گام جسورانه در مسیری است که سینمای ایران کمتر در آن قدم گذاشته است. برای سال ها، روایت زندگی بانوان بزرگ اهل بیت ^(ع) در فرهنگ عمومی ایرانیان عمدتا محدود به نقل های شفاهی، بازنمایی های هنری سنتی مثل نقاشی های قهوه خانه ای یا در بهترین حالت، سریال های تلویزیونی با نگاهی کلیشه ای و محتاط بوده است.

«اخت الرضا» این شانس را دارد که روی طیف وسیعی از مخاطبان حساب کند؛ مخاطبانی که به دلیل تجربه زیسته زیارت، انس با حرم مطهر و آشنایی با نماد ها و فضای معنوی شهر قم، از پیش نوعی همدلی عاطفی با موضوع فیلم دارند. برای این افراد، تماشای فیلمی درباره حضرت معصومه ^(ع) صرفا یک فعالیت هنری نیست، بلکه نوعی بازگشت ذهنی و

تأثیر فرهنگی حرم در زندگی روزمره

در شهر قم، حرم حضرت معصومه ^(ع) مثل یک قلب فرهنگی می تپد؛ قلبی که نبض آن نه فقط در فضاها ی مذهبی، بلکه در تمامی ابعاد زندگی فرهنگی و اجتماعی این شهر جاری است. هر سال میلیون ها زائر از سراسر ایران و حتی کشورهای شیعه نشین منطقه راهی قم می شوند؛ اما نکته مهم این است که این سفرها، فقط برای انجام زیارت به معنای سنتی آن نیست. زیارت در قم، تجربه ای چندلایه است که در آن دین، فرهنگ، آموزش، هنر و حتی تجارت و زندگی روزمره به شکلی پیچیده و زنده درهم تنیده اند. قم با حرم حضرت معصومه ^(ع)، تبدیل به یک مرکز پویا و فعال فرهنگی شده است. کتاب فروشی های اطراف حرم که معمولا میزبان آثار دینی، فلسفی، عرفانی و تاریخی هستند، خود نوعی کتابخانه باز عمومی اند. زائران و علاقه مندان به مطالعه، از اقشار مختلف، گاه ساعتی طولانی را در این فضاها می گذرانند. از منظر مناسک عمومی هم، قم را باید یک تقویم زنده دانست؛ شهری که در ایام مذهبی، تبدیل به یک جشنواره خود جوش فرهنگی می شود.

این مناسبت ها فقط اجراهای مذهبی نیستند؛ بلکه صحنه های نمایش همدلی، همزیستی و فرهنگ شیعی در قالب های متنوع اند؛ از تعزیه و نقالی گرفته تا نمایشگاه های فرهنگی، پویش های اجتماعی و کارگاه های آموزشی نوجوانان در فضای پیرامون حرم. نکته مهم دیگر این است که در

سال های اخیر، الهام از شخصیت حضرت معصومه ^(ع) راه خود را به عرصه هنرهای معاصر نیز باز کرده است. در سینما، نمونه های معدودی مثل فیلم «اخت الرضا» تلاش کرده اند به زندگی ایشان بپردازند. در ادبیات کودک و نوجوان، داستان هایی با محوریت حضرت معصومه ^(ع) منتشر شده است که جنبه تربیتی و الگوسازی دارند. در موسیقی آیینی، مداحی ها و قطعات خاص برای ایشان ساخته شده که فضای ویژه قم را بازتاب می دهند؛ حتی برخی نمایشنامه ها و اجراهای

تئاتر مذهبی نیز با الهام از حضور معنوی حضرت، در حال شکل گیری اند.

قصه ای در دل تاریخ، اما گرفتار در روایت

«اخت الرضا» در ساختار خود تلاش دارد روایتی عرفانی و معنوی از زندگی حضرت فاطمه معصومه ^(ع) ارائه دهد؛ روایتی که به جای تأکید بر جزئیات وقایع تاریخی یا درگیری های دراماتیک بیرونی، بیشتر در پی خلق فضایی است برای تأمل در بزرگی و شأن معنوی شخصیت محوری خود. فیلم با پرہیز از نمایش مستقیم چهره حضرت معصومه ^(ع)، سعی دارد این خلأ بصری را با استفاده از نریشن های توضیحی، موسیقی ملایم، نورپردازی معنوی و تصویرسازی های استعاره جبران کند.

از منظر روایت پردازی سینمایی، چنین رویکردی بار دراماتیک اثر را به شدت کاهش می دهد. سینما، به عنوان رسانه ای مبتنی بر تصویر، نیازمند شخصیت هایی است که از طریق کنش، واکنش،

تعبیر بلند و معنا دار «ایران، ایران امام رضا ^(ع) است» که از سوی رهبر معظم انقلاب مطرح شده است، نه صرفا یک وصف معنوی یا شاعرانه، بلکه نشانه ای از یک حقیقت ریشه دار در زوفا ی تاریخ فرهنگی و تمدنی ایران اسلامی است. این تعبیر، اگر از منظر هنر تأمل شود، ابعاد تازه ای از نسبت دین، معنا و زیبایی را برای ما روشن می سازد؛ به ویژه هنگامی که به تأثیر وجود مبارک حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در تکوین و تحول هنر ایرانی توجه کنیم.

هنر به مثابه زبان معنا

هنر، در ذات خود زبان بیان معناست؛ زبانی که در طول تاریخ، همواره کاروپیژه ای دوسویه داشته است؛ صورت بخشی به معنا و معنا بخشی به صورت. در ادیان توحیدی، به ویژه اسلام، هنر نه تنها ابزاری برای تجلی زیبایی، بلکه واسطه ای برای انتقال حکمت و معرفت بوده است. در اندیشه اسلامی، زیبایی از حقیقت جدا نیست؛ بلکه انعکاسی از حقیقت در آیینۀ ادراک انسانی است.

بر همین اساس، می توان اذعان داشت که هنر، به ویژه در مواجهه با ساحت های قدسی، به ابزاری برای بیان ایمان بدل می شود؛ و چه نمونه ای روشن تر از این نسبت، از آنچه در حرم



پژوهشگر مطالعات فرهنگی محمد جواد اسدانی

مکتب هنر رضوی؛ پیوند دیانت، معنا و زیبایی

مکتب هنر رضوی، نامی است بر یک جریان مستمر، زنده و پیچیده از آفرینش های هنری که در بستر حرم

مطهر رضوی و در طول قرون متمدادی شکل گرفته است. این مکتب، واجد دو ویژگی ممتاز است که آن را از دیگر مکاتب هنری جهان اسلام متمایز می سازد؛ استمرار تاریخی و تنوع شکلی. موضوع نخست بحث استمرار است؛ از عصر شهادت حضرت رضا علیه السلام تا کنون، خلق آثار هنری پیرامون مضجع شریف ایشان، هیچ گاه دچار گسست تاریخی نشده است. در حالی که بسیاری از آثار هنری در تاریخ اسلام، محدود به دوره ای خاص یا وابسته به قدرتی موقتی بوده اند. هنر رضوی پیوسته در حال تکامل و تداوم بوده و به نوعی در دل زیارت، نفس کشیده است. این استمرار، برخاسته از پیوستگی عاطفی و معرفتی مردم با این حرم شریف است؛ پیوندی

هنر رضوی؛ الگویی تمدنی برای هنر معاصر

در شرایطی که جهان امروز با بحران معنا و هویت روبه روست، بازخوانی مکتب هنر رضوی، ضرورتی فرهنگی و تمدنی تلقی می شود. این مکتب می تواند الگوی مؤثری برای تولید هنری در عصر حاضر باشد؛ تولیداتی که بتوانند ارزش های دینی، عرفانی و اخلاقی را در قالب های نوین هنری – سینما و گرافیک تا پیوانمایی و هنرهای دیجیتال – بازآفرینی کنند.

در واقع، هنر رضوی ظرفیتی تمدنی دارد که از دل سنت برآمده است و می تواند در خدمت آینده باشد. از این منظر، سنت نه ایستایی، بلکه ریشه ای